

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

۱۰۷

ال حاج خليل الله ناظم باخترى
همبورگ - جرمنى

شام غریبان

مخمس برغزل مرحوم "صوفی عشقري"

یا الٰہی از خروش بـ	اد و باران نشکند
ساخـ	ة گل در میان باغ و بستان نشکند
ساغـ	ر عمرت ز گردشہای دوران نشکند
از تمام خـ	بـ و بـ ریان جهان زیبا تر است
دلبـ	رم زیباتر از ماه و پری، سیمین بر است
یک قلم آلوـ	ده بـ امشک و عیبر و عنبر است
ای صبا هـ	ش کـ من کـه آن رـلف پـریشان نـشکند
در خـیال من اگـ	ر ذوق تمنایت رسـد
بوـی خـوش از عـطر	گـیسوی دـل آـرایت رسـد
تـاقیامت رـنگ آـن گـ	لـل در گـلستان نـشکند
از پـری روـیان عـالـ	م بـی و فـائی دـیده اـم
نـخوت و کـبر و غــرور و خـونـنـمـائـی دـیدـه اـم	
تا ابد بــزار نـاز نـازـنـینـان نـشـکـند	
نـی شـفا باـشـد بــراـیـت نـی دـوا و نـی طـبـیـب	
نـی به پــرـسـانـت بــیـاـید آل و اوـلـادـ و قــرـیـب	
ولـچـک و زـوـلـانـه اـت در بـین زـنـدانـ نـشـکـند	

شیوه جسور و جفای ظلمان از حد گذشت	ناز و نیرنگ و فریب گلرخان از حد گذشت
گرمی بازار این شیرین لبان از حد گذشت	ظلم بر احوال زار عاشقان از حد گذشت
رفته رفته قیمت لعل بدخشان نشکند	دیگر از چرخ حادث داروی درمان مگیر
بعد ازین بایای ملت گوشہ پنهان مگیر	در وطن جنگ است و خود راغافل و حیران مگیر
کام دل حاصل نمودن از فلک آسان مگیر	کی دهد حلوا به کس تا یک دو دندان نشکند
از فشار فیر راکت بام نکانم فتاد	خانه و کاشانه و دهلیز و دالانم فتاد
در میان لای و گل خیر است اگر نام فتاد	زین بلای خانمانسوزی که بر جانم فتاد
بوتل تبلم درین شام غریبان نشکند	بوتل تبلم درین شام غریبان نشکند
ما خدا داریم و باشد مرجع راز و نیاز	جان من بر قوت بازوی و دورانت مناز
شهسوار من ز شوخی اینقدر چابک متاز	سوز ما آه است و آه ما همه سوز و گذار
زیر پای چاکرت دلهای نالان نشکند	زیده روشن میشود از دیدن روی قمر
{ناظما} سیر و تماشا کن بتان عشوه گر	مانظربازیم و دارد این نظر بازی خطر
زین سر ره عشقی کی میرود جای نگر	تاسر خود زیر پای خوب رویان نشکند

این مخمس وقتی سروده شده، که در کابل جنگهای تنظیمی جریان داشت و پادشاه سابق در روم بود.